

تحلیل ساختار و مضمون توسل در اشعار نظامی گنجوی با تکیه بر قرآن و حدیث

ابراهیم ابراهیمی^۱ و سیده زهرا موسوی^۲

چکیده:

مقاله حاضر ضمن تعریف واژه «توسل» با تکیه بر قرآن و حدیث و ساختار آن به رویکردهای ساختاری و محتوایی آن در شعر فارسی با تکیه بر اشعار نظامی گنجوی در این زمینه می پردازد. زاویه دید نظامی در توسلها، انواع توسل؛ توسل به ذات و صفات، توسل مستقیم، غیر مستقیم، لحن توسلهای نظامی، شفاعت و توسل و ۴ در بخشهایی از مقاله تشریح شده است. در مبحث زاویه دید توسلها به اصالت سبکی نظامی در این زمینه اشاره شده است؛ به گونه ای که اثبات شده است که حالت خطابی و زبان دوم شخص مفرد با خداوند و رسول اکرم (ص)، بیشتر در خور توجه نظامی در گفتگوهای توأم با توسل بوده است. در بخش انواع توسل، به مسأله توسل به ذات الهی و توسل به اسماء و صفات الهی اشاره شده است و در بخش انواع توسل غیر مستقیم به مسأله تحیت بدون درخواست و مسأله درخواست و تحیت اشاره شده است. لحن و توسل، تضرع در توسلها، لحن متواضعانه نظامی، صمیمیت لحن و ۴ از رویکردهای دیگر مقاله است.

به طور کلی مقایسه رویکردهای نظامی و قیاس با رویکردهای اعتقادی با عنایت به شیوه نقد تطبیقی مبتنی بر قرآن و حدیث اساس مقاله حاضر را تشکیل می دهد.

کلیدواژگان: تحلیل، توسل، نظامی و قرآن و حدیث

مقدمه:

تأمل در رویکردهای محتوایی شعر فارسی بویژه مقدمه دواوین و منظومه ها از آغاز تا عصر قاجار نشان می دهد که همواره شعرا قبل از شروع هر نوع بحثی به توحید، نبوت و بعضاً امامت روی می کنند و این امر آن چنان مرسوم بوده است که می تواند به عنوان شاخصه یا اصالت سبکی^۱ محتوایی شعر فارسی مطرح شود. به عنوان یک رویکرد سبکی دقیق تر در همین خصوص، آنچه در مقدمات دیوان شعرا مشاهده می شود بحث «توسل» است. لذا می طلبد تا بحث توسل، از حیث رویکردهای محتوایی و ساختاری مورد مطالعه قرار گیرد. شعری چون ناصر خسرو، خاقانی، سنایی، نظامی، سعدی، مولوی، حافظ و ۴ همگی به یکی از شیوه های خاص مبحث «توسل» عنایت داشته اند؛ به گونه ای که هر یک از این شعرا از حیث زاویه دید در توسل، لحن توسل، نوع درخواست، طرف مورد خطاب در توسل، توسل

** تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۵/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۶/۲۶

^۱ - نویسنده مسئول: استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک e-ebrahimi@araku.ac.ir

^۲ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک z-mosavi@araku.ac.ir

مستقیم یا غیر مستقیم، زبان توسل و رویکردهای فرعی در توسل از یکدیگر متمایزند و اصالت سبکی خاص خود را دارند. پرداختن به بحث «توسل» از حیث نقد ساختاری و محتوایی آن هم در دواین شعرا در این مختصر نمی‌گنجد. بدین منظور خمسه نظامی را برگزیدیم تا دقیق‌تر شیوه کار نظامی و رویکردهای مرتبط به این امر مورد بررسی قرار گیرد.

علمای لغت واژه «توسل» را «نزدیکی جستن» معنا می‌کنند و در قالب عبارت: «توسل الیه بوسیله؛ ای عمل عملاً تقرب به الیه» را «نزدیکی یافتن به چیزی و به کاری» می‌گویند (دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، ذیل توسل). از نگاه دیگر لغویون «توسل» را از ریشه «وسل» و کاملاً مرتبط با واژه «وسیله» می‌دانند. ابن منظور می‌گوید: «... وَ تَوَسَّلَ إِلَيْهِ بِكَذَا: تَقَرَّبَ إِلَيْهِ ...» و «... وَ وَسَّلَ فَلَانَ إِلَى اللَّهِ وَسِيلَةً إِذَا عَمِلَ عَمَلًا تَقَرَّبَ بِهِ إِلَيْهِ. وَالْوَأْسَلُ: الرَّاعِبُ إِلَى اللَّهِ» (لسان العرب ذیل وسل) سپس از «وسیله» برای تقرب سخن می‌گوید: «وَ تَوَسَّلَ إِلَيْهِ بوسیله إِذَا تَقَرَّبَ ...» (همان) جرجانی در تعریف «وسیله» می‌آورد: «آنچه به وسیله آن به دیگری تقرب جویند». (به نقل از تعریفات جرجانی، ص ۳۲۶) (ابن منظور لسان العرب، ذیل توسل)

قرآن کریم موضوع توسل را یک طریق مسلم و روشن برای نیل به هدف، معرفی می‌کند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (مائده، ۳۵) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید، و به او تقرب جویند؛ و در راهش جهاد کنید، باشد که رستگار شوید».

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا﴾ (اسراء، ۵۷) «آن کسانی را که ایشان می‌خوانند به سوی پروردگارشان تقرب می‌جویند کدام یک از آنها نزدیک ترند و به رحمت وی امیدوارند، و از عذابش می‌ترسند، چرا که عذاب پروردگارت همواره در خور پرهیز است» مقصود از توسل در اصطلاح مسلمانان، تمسک جستن به اولیای الهی به منظور بر آمدن نیازها است

تکوین و تشریح

واسطه‌ها گاهی در عالم تکوین و وجود خارجی است و گاه در عالم تشریح و آوردن دین و وحی؛ فرشتگان واسطه بین خدا و بندگان در عالم تکوین و تشریح می‌باشند مثلاً در قبض ارواح چنان که قرآن می‌فرماید: ﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدُكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا﴾ همچنین در رساندن رزق و روزی به انسان‌ها واسطه می‌باشند و گاه برخی از پیامبران با اذن الهی در عالم تکوین مؤثر بوده‌اند چنان‌که درباره حضرت عیسی (ع) می‌فرماید: ﴿وَأُتِرَىٰ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ وَأُخِي الْمَوْتَىٰ بِأُذْنِ اللَّهِ﴾ پیامبران الهی واسطه رساندن وحی و دین الهی به مردم می‌باشند.

حکمت توسل

۱- همه موجودات عالم هستی، آیات و نشانه‌های حضرت حق‌اند. عالی‌ترین و تابناک‌ترین جلوه و ظهور حضرت حق، در آینه وجود انسان کامل (پیشوایان معصوم) محقق می‌گردد. توسل به انسان کامل، در حقیقت توجه به جلال و جمال خدا و توسل به چشمه فیض او است.

۲- خداوند خواسته است اولیای خود را در کانون توجه و اقبال مردم قرار دهد. توجه به آنان و برقراری ارتباط عاطفی و معنوی با آنان، تأکید بر حقانیت و اسوه بودن آنان است و موجب می‌شود مردم با مراجعه به آنان و الگوگیری از ایشان، به طریق هدایت و سعادت، دست یابند.

توسل به اسماء خدا ﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا﴾ (اعراف، ۱۸)

بنابراین آن گونه که از آیات برمی آید، توسل به هر دو شیوه با واسطه و بی واسطه صورت می‌گیرد؛ به عبارتی لازمه نظام هستی است که مغفرت الهی گاه از طریق ارواح پاک انبیاء و اولیاء به گناهکاران برسد؛ همان گونه که رحمت وحی گاه با واسطه صورت می‌گیرد، رحمت مغفرت نیز گاه با واسطه محقق می‌شود. اثبات این مدعا آیه ﴿یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله وابتغوا الیه الوسیله﴾ (مائده، ۵) است. این «وسیله» گاه انبیاء و اولیاء هستند؛ به فرض مثال خداوند از گناهکاران می‌خواهد که به خانه رسول (ص) بروند و طلب مغفرت کنند: ﴿و لو انهم اذ ظلموا انفسهم جاؤوک فاستغفروا الله و استغفر لهم الرسول لوجدوا الله تواباً رحیماً﴾ (نساء، ۶۴) و این رحمت و مغفرت گاه بی واسطه و «وسیله» است که بنده با توسل به خداوند چاره کار خود را می‌خواهد که خود این نوع توسل بر دو نوع است: یکی توسل به ذات حق است که می‌فرماید: ﴿و اذا سألک عبادی عنی فانی قریب اجیب دعوه الداع اذا دعان فلیستجیبوا لی ولیؤمنوا بی لعلمهم یرشدون﴾ (بقره، ۱۸۶) و نوع دوم از توسل مستقیم، توسل به اسماء و صفات الهی است که فرموده است: ﴿و لله الاسماء الحسنی فادعوه بها﴾ (اعراف، ۱۸۰) و نهایت سخن این که مصداق توسل بی وسیله سخن سعدی است که می‌گوید:

او چاره کار بنده داند چون هیچ وسیلتش نماند

(سعدی، ص ۱۰۸)

بحث

۱) نظامی گنجوی از شعری است که بحث «توسل» را به انحاء مختلف در آثار خود، مستقیم و غیر مستقیم مطرح کرده است. در نگاه اول می‌توان گفت که رویکردهای مربوط به «توسل» عمدتاً در مقدمه پنج گنج، گنجانده شده است؛ با خصایصی که هر یک از منظومه‌ها را نسبت به دیگری متمایز می‌سازد. «زاویه دید» نظامی در این «توسلات» باعث شده است تا نوع توسلها از حیث کمی و کیفی با هم تفاوت‌هایی داشته باشند؛ مقدمتاً لازم به یاد آوری است که در ادبیات داستانی به زاویه دید و تقسیمات آن اشاره شده است. شیوه‌های رایج عبارتند از زاویه دید درونی یا اول شخص مفرد، زاویه دید بیرونی یا سوم شخص مفرد که به آن دانای کل هم می‌گویند. زاویه دید سوم شخص که از اول شخص مفرد کمک می‌گیرد و به آن دانای کل محدود می‌گویند. گاه زاویه دید جریان سیال ذهن راوی است و داستان متکی به تک گوییهای سیال ذهن راوی است. در بعضی داستانها تک گویی است که از آغاز تا پایان قصه نظرگاه راوی را می‌سازد. ... (جمال میر صادقی واژه نامه هنر داستان نویسی، صص ۱۵۹-۱۵۶ / میر صادقی، عناصر داستان، صص ۲۷۷-۲۳۹ / یونسی، ابراهیم، هنر داستان نویسی، صص ۷۱-۶۳) نظرگاه یا زاویه دید در بسیاری از منابع با بحث روایت و راوی گره می‌خورد. مارتین گری درباره زاویه دید می‌گوید: «هر روایتی یک راوی دارد ... نظر گاه در واقع به طریقی گفته می‌شود که با آن راوی به مواد خود (شخصیت ها، عمل، وسایل صحنه و غیره) و بیننده دسترسی

پیدا می کند.» (مارتین گری، فرهنگ اصطلاحات ادبی در زبان انگلیسی ، ترجمه منصوره شریف زاده. ص ۵۶) مجدی و هبه در «معجم مصطلحات» در ذیل «وجهه نظر الراوی» به دسته بندی های فوق اشاره می کند (صص ۴۲۵-۴۲۳) آنچه نظرگاه ادبیات غنایی را از ادبیات داستانی امروز ممتاز می سازد، گفتار شاعر با خداوند در قالب دوم شخص مفرد است به گونه ای که ضمیر «تو» و «ت» نظرگاه شاعر را می سازد. به عبارتی گاه گفتگوها از حالت تک گوئی و جریان سیال ذهن خارج می شود و صرفاً از آغاز تا پایان، دو یا چند نفر با هم گفتگو می کند و یا طرف خطاب راوی، خداست و زبان حاکم ضمائر و افعال دوم شخص مفردو به صورت مخاطبه و از زبان خود شاعر بیان می شود:

یارشو ای مونس غمخوارگان	چاره کن ای چاره بیچارگان
قافله شد واپسی ما بین	ای کس ما بی کسی ما بین
دست چنین پیش که دارد که ما	زاری از این پیش که دارد که ما
درگذر از جرم که خواننده ایم	چاره ما کن که پناهنده ایم
ای شرف نام نظامی به تو	خواجگی اوست غلامی به تو
نزل تحیت به زبانش رسان	معرفت خویش به جانش رسان

(نظامی ، مخزن الاسرار ، ص ۱۱)

این نظرگاه در مناجاتنامه ها بیشتر دیده می شود. گرچه روایت گفته ها از زبان دوم شخص در ادبیات داستانی جدید چندان در خور ملاحظه نیست و این حالت خطابی صرفاً در گفتگوها بویژه گفتگوهای همراه با خواهش ، التماس ، تضرع و... آن هم حین سخن با خداوند و یا فردی مافوق راوی صورت می گیرد ولی با این حال در کتب ذی ربط به داستان و عناصر داستان گاه در دسته بندی زوایای دید از زاویه دید دوم شخص سخن رفته است. (م رک: میرصادقی، جمال، عناصر داستان، ص ۲۳۹) یقیناً این نوع گفتگو با افعال دوم شخص در ادبیات غنایی گذشته ویژگی شاخص و مستقلی بوده است که در نثر داستانی امروز کم کاربرد است و بیشتر در نمایشنامه ها به صورت مستقل مشاهده می شود. در لابلاهای داستانهای منظوم گذشته و مقلدین آنها در ادوار بعد ، بویژه در مناجات نامه ها معمولاً گفتگوی راوی با خداوند یا رسول اکرم (ص) حالت خطابی پیدا می کند که ایجاب می کند تا راوی از منظر دوم شخص مفرد استفاده کند . میرصادقی در واژه نامه هنر داستان نویسی به این نوع زاویه دید در گفتگو اعتقاد دارد. (واژه نامه. ص ۱۵۹)^۳

۱-۱ یکی دیگر از رویکردهای نظامی توجه به زاویه دید دانای کل است. نظامی در این گونه موارد به شیوه گزارشی و از نگاه سوم شخص مفرد درباره خداوند و رسول اکرم (ص) سخن می گوید حدوداً ۴۴ درصد از انواع زاویه دید در خمسه نظامی به این نوع زاویه دید مربوط می شود:

فاتحه فکرت و ختم سخن	پیش وجود همه آیندگان
سابقه سالار جهان قدم	نام خدایست بر او ختم کن

^۳ مزید اطلاع در باب زاویه دید رک: (Merriam Webster (Point of view) - (Martin Gray. (1984) pages 162- 163) - (1995) page s.

بیش بقای همه پایندگان مرسله پیوند گلوی قلم
به همین شیوه شاعر درباره خداوند سخن می گوید (مخزن الاسرار، ص ۲) و تا پایان بخش توحید این زاویه دید حاکم است:

دل که ز جان نیست پاکی کند رسته خاک در او دانه ایست
خاک نظامی که به تأیید اوست بر در او دعوی خاکی کند
کز گل باغش ارم افسانه ایست مزرعه دانه توحید اوست
(مخزن الاسرار، ص ۷)

این شیوه گزارشی را در بخشهای مربوط به معراج و توحید، زیاد مشاهده می کنیم:

تخته اول که الف نقش بست بر در محجوبه احمد نشست
(مخزن الاسرار، ص ۱۲، نعت رسول اکرم (ص))
نیم شبی کان ملک نیمروز نه فلک از دیده عماریش کرد
کرد روان مشعل گیتی فروز زهره و مه مشعله داریش کرد
(مخزن الاسرار، ص ۱۴، در معراج)

شمسه نه مسند هفت اختران احمد مرسل که خرد خاک اوست
ختم رسل خاتم پیغمبران هر دو جهان بسته فتراک اوست
(مخزن الاسرار، ص ۲۰، نعت اول)

و یا در منظومه اقبال نامه:

محمد که بی دعوی تخت و تاج تنش محرم تخت افلاک بود
ز شاهان به شمشیر بستد خراج سرش صاحب تاج لولاک بود
(اقبال نامه، ص ۷، نعت رسول (ص))

۱-۲) نظر به مقدمه بحث و با توجه به سخن صاحب «عناصر داستان» (ص ۲۳۹) در خصوص خطاب دوم شخص می توان گفت: نظامی حدوداً ۴۴ درصد از توسلات خمسه راباحالت خطابی گفتگو و دوم شخص مفرد مطرح می کند؛ به عبارتی نظامی از زاویه دید دانای کل (سوم شخص مفرد) و خطاب دوم شخص با خداوند، حدوداً به صورت مساوی سود جسته است. در مناجات اول مخزن الاسرار آمده است:

ای همه هستی ز تو پیدا شده زیر نشین علمت کائنات
هستی تو صورت پیوند نی خاک ضعیف از تو توانا شده
ما به تو قائم چو تو قائم به ذات تو به کس و کس به تو مانند نی...
(مخزن الاسرار، ص ۷)

در مناجات دوم نیز به همین سبک می آورد:

ای به ازل بوده و نابوده ما
دور جنیبت کش فرمان تست

ای به ابد زنده و فرسوده ما
سفت فلک غاشیه گردان تست

(مخزن الاسرار، ص ۸)

همین نکته در هفت پیکر (صص ۲-۶)، اقبال نامه (ص ۴)، لیلی و مجنون (صص ۷-۴۸۶)، شرفنامه (صص ۱۴-۱۱) و ۴ مشاهده می شود:

ای جهان دیده بود خویش از تو
هیچ بودی نبوده پیش از تو

(هفت پیکر، ص ۲)

خدایا تویی بنده را دستگیر
تویی خالق بوده و بودنی
به بخشایش خویش یاریم ده
ز غوغای خود رستگاریم ده

(اقبال نامه، ص ۴)

ای نام تو بهترین سرآغاز
ای یاد تو مونس روانم

بی نام تو نامه کی کنم باز
جز نام تو نیست بر زبانم ۴

(لیلی و مجنون، ص ۱۶)

بزرگا بزرگی دها بی کسم
نیاوردم از خانه چیزی نخست

تویی یآوری بخش و یاری رسم
تو دادی همه چیز من چیز تست ۴

(شرفنامه، ص ۱۱)

۱-۳) یکی دیگر از رویکردهای نظامی در زاویه دید توسلات، گریز از سوم شخص به مخاطب در حالت گفتگو است؛ در تحلیل این نوع زاویه دید گفتنی است که در زاویه دید سوم شخص اصلاً شاعر یا نویسنده کارش به گزارش شبیه است و هرگز مجال خطاب مستقیم با حضرت باری تعالی را پیدا نمی کند. لذا در این نوع زاویه دید، «توسل» یا «توسلات» شاعر کم است. به ندرت نظامی از حالت سوم شخص مفرد به گفتگو از زبان دوم شخص گریز می زند و به خداوند یا پیامبر اکرم (ص) متوسل می شود. جهت نمونه می توان به موارد زیر توجه کرد.

۱-۳-۱) نظامی در خسرو و شیرین بعد از نعت رسول (ص) در سابقه نظم کتاب با زاویه دید سوم شخص سخن می گوید:

چو طالع موکب دولت روان کرد
سعادت روی در روی جهان کرد

(خسرو و شیرین، ص ۱۳)

سپس بعد از ابیاتی زاویه دید را تغییر می دهد و از مخاطب خود با شاهنشاه در خصوص سرودن این منظومه سخن می گوید. در این مقام ضمیر «تو و ما» بر ابیات حاکم می شود:

۴ ز تو پیروزه بر خاتم نهادن ز ما دست سلیمانی گشادان

(خسرو و شیرین، ص ۱۴)

و نهایت کار به خاطر دریافت وجوه به پادشاه متوسل شده است و از زاویه دید اول شخص مفرد، خواست خود را غیر مستقیم مطرح می کند. در اینجا نظامی به طغرل ارسلان متوسل شده است:

چو خواهم من غم از روزن درآید زمین بشکافد و ماهی برآید
از آن دولت که باد اعداش بر هیچ به همت یارئی خواهم دگر هیچ
بسا کاری که شد روشن تر از ماه به همت خاصه همت، همت شاه
گر از دنیا وجوهی نیست در دست قناعت را سعادت باد کان هست

(خسرو و شیرین، ص ۱۵)

که در این شاهد، توسل به غیر خداوند و رسول اکرم (ص) است.

۲-۳-۱ نظامی در لیلی و مجنون هنگامی که در مدح شروانشاه اخستان بن منوچهر سخن می گوید در آغاز با زاویه دید سوم شخص مفرد به شیوه گزارشی شروع می کند:

سرخیل سپاه تاجداران سرجمله جمله شهریاران
خاقان جهان ملک معظم مطلق ملک الملوک عالم ۴

(لیلی و مجنون، ص ۳۰)

سپس بعد از سرودن قریب به ۹۰ بیت به همین سیاق سوم شخص مفرد به خدا متوسل می شود و با واسطه قراردادن خدا باحالت خطاب و زبان دوم شخص مفرد از ممدوح طلب روزی می کند!! و می گوید:

۴ یارب تو مرا کاوین نامم در عشق محمدی تمامم
زان شه که محمدی جمالست روزیم کن آنچه در خیالست ۴

(لیلی و مجنون، ص ۳۵)

۳-۳-۱ در نعت رسول اکرم (ص) در منظومه اقبال نامه نیز گریز از زاویه دید سوم شخص مفرد به حالت خطاب دوم شخص مفرد ملاحظه می شود و قطعاً از توسلات منطقی و مثبت است. نظامی در آغاز این بخش می آورد:

محمد که بی دعوی تخت و تاج ز شاهان به شمشیر بستد خراج
... تنش محرم تخت افلاک بود سرش صاحب تاج لولاک بود ۴

(اقبال نامه، ص ۷)

حدوداً بعد از بیست بیت ، شاعر از سوم شخص گریز می زند وبا حالت خطاب "تو" ضمن توسل به رسول اکرم (ص) خواسته خود را مطرح می کند:

بقای ابد جرعه جام تست	طراز سخن سکه نام تست
همه ساله ایمن شد از داغ و درد	کسی کو زجام تو یک جرعه خورد
نباشد چومن خاکی جرعه خوار	مبادا کزان شربت خوشگوار

(اقبال نامه، ص ۱۰)

نیز رجوع شود به مبحث معراج در شرفنامه (صفحات ۲۵-۱۷) که شاعر به همین روش عمل کرده است.

۱-۳-۴ سخن دیگر در باب زاویه دید سوم شخص در مبحث توسلات نظامی این است که شاعر عمدتاً در حالت سوم شخص مجال توسل پیدا نمی کند و به جز موارد فوق، صرفاً به شیوه گزارشی از خداوند و رسول اکرم (ص) سخن می گوید و هیچ نوع طلب، خواسته و توسلی در این گونه موارد ملاحظه نمی شود. شاعر در نعت خواجه کائنات (شرفنامه، صفحات ۱۷-۱۴) و (اقبال نامه، صفحات ۵-۳)، توحید (خسرو و شیرین، صفحات ۷-۶)، نعت چهارم رسول اکرم (ص) (مخرن الاسرار، صفحه ۳۰-۲۷) نعت رسول اکرم (ص) (هفت پیکر، صفحات ۱۴-۹) و معراج رسول اکرم (ص) در (هفت پیکر، ص ۶۸۹) صرفاً با زاویه دید سوم شخص به شیوه گزارشی مطالبی را می آورد و خالی از هر نوع توسلی است.

۱-۳-۵ از نکات حائز اهمیت در مبحث زاویه دید که از سویی به اصالت های زبانی واژگانی خمسه نیز مربوط می شود، کاربرد ضمائر شخصی در توسلات است. نظامی در بخشهایی از خمسه که زاویه دید سوم شخص و گزارشی را به کار می برد از ضمیر منفصل «او» و ضمیر متصل «ش» زیاد استفاده می کند و به همین منوال در حالت خطاب دوم شخص از ضمیر منفصل «تو» و ضمیر متصل «ت» برای گفتگو با خداوند بسیار سود می جوید. به عنوان نمونه شاعر در آغاز اقبال نامه در مبحث توحید که بیست و هشت بیت است، حدود سی بار از ضمیر «او» و «ش» استفاده می کند. بعضی از ابیات آن:

همه آفریدست در هفت پوست	بدو آفرین کافرینده اوست
همه بود را هست از او ناگزیر	بپود کس او نیست نسبت پذیر
بدو هیچ پوینده را راه نیست	خردمند ازین حکمت آگاه نیست
گرت مذهب این شد که بالا بود	ز تعظیم او نیز تنها بود
و گر ذات او زیر گویی که هست	خدا را نخواند کسی زیر دست

(اقبال نامه، ص ۳)

جز این مورد، موارد دیگری در توسلات نظامی در زاویه دید سوم شخص وجود دارد که این اصالت واژگانی مصداق دارد. به عنوان نمونه به موارد مندرج در بند (۱-۳-۴) نیز می توان مراجعه کرد.

۳-۶ کاربرد ضمیر «تو و ت» در توسلات مستقیم نظامی مشاهده می شود؛ بویژه در توسلهایی که نظامی با خدا و رسول اکرم (ص) مستقیم یا حالت خطابی سخن می گوید. جهت اثبات این اصالت زبانی ° واژگانی به یک نمونه بسنده می شود. در شاهد زیر شاعر در پنجاه و هشت بیت آغازین هفت پیکر از ضمائر و شناسه های «تو، ت و ی» و «حالت ندا و خطاب» بالغ بر شصت بار استفاده می کند. چند بیت از آغاز هفت پیکر:

هیچ بودی نبوده پیش از تو	ای جهان دیده بود خویش از تو
اول آغاز و آخر انجامست	ه نام تو کابتدای هر نامست
بازگشت همه به تست به تو	ه هست بود همه درست به تو
تو خدایی و آن دگر بادند	ه تو نژادی و آن دگر زادند
روز را مرغ و مرغ را روزی	ه تو دهی صبح را شب افروزی
دو سراپرده سپید و سیاه	تو سپردی به آفتاب و به ماه

(هفت پیکر، صفحات ۳-۲)

تا آنجا که می گوید:

با تو گویم بزرگوار شوم	راز گویم به خلق خوار شوم
به درکس مرانش از در تو	ای نظامی پناه پرور تو

(هفت پیکر، ص ۶)

التزام «تو» و مشتقات آن در همه موارد توسل مستقیم در خمسه نظامی از اصالت های زبانی واژگانی به شمار می رود. (رک: ۲-۱)

۲) در تحلیل رویکردهای توسل از حیث نوع مخاطب نظامی می توان گفت که شاعر در همه منظومه ها ابتدا از خداوند و توحید سخن می گوید و به حضرت حق متوسل می شود و درخواست های خود را مطرح می نماید. گاه علاوه بر این، مناجاتهایی را می آورد. سپس در نعت رسول اکرم (ص) سخن می گوید و به واسطه رسول اکرم (ص) درخواستهای خود را مطرح می کند و این امر نیز در سبک سخن نظامی از جایگاه خاصی برخوردار است. نوع سوم نیز که کمتر مشاهده می شود مدح و دعایی است که در باب پادشاهان عصر خود می آورد. در این نوع سوم در خواست خود را مستقیم و یا پوشیده، در قالب الفاظ و عبارات از ممدوح درخواست می کند. البته این واسطه و وسیله در امر طلب و درخواست، مذموم است، گرچه از حیث کمی چندان در خور بحث نیست. جهت نمونه می توان به مبحث ستایش طغرل ارسلان در خسرو و شیرین اشاره کرد که شاعر به غیر خدا و رسول (ص) توسل جسته است و با ارائه شعرش به طغرل ارسلان انتظار نوازش و صله دارد:

...من از شفقت سیند مادرانه	به دود صبحدم کردم روانه
به شرط آن که گر بویی دهد خوش	نهد بر نام من نعلی بر آتش

بدان لفظ بلند گوهر افشان	که جان عالمست و عالم جان
اتابک را بگوید کای جهانگیر	نظامی و آنگهی صد گونه تقصیر
نیامد وقت آن کاو را نوازیم؟	ز کار افتاده ای را کارسازیم؟
هستی و مهستی را بر غزلهها	شبی صد گنج بخشی در مثلها
گر او را خرمنی از ما گشاید	ز ما والله که یک جو کم نیاید ه

(خسرو و شیرین، ص ۱۸-۱۵)

۲-۱) توسل مستقیم به باری تعالی بدون واسطه، یکی از شاخصه های توسل در شعر نظامی است. نظامی در انتخاب این شیوه و ساختار کاملاً متأثر از ساختار توسل در قرآن کریم است. به گونه ای که می توان این روند را در رویکردهای زیر مطرح کرد:

۲-۱-۱) توسل مستقیم به ذات حق تعالی و نفی هر گونه وسیله یا واسطه ای، اصل و اساس توسل نظامی است. مصداق این سخن آیه زیر است: ﴿و اذا سالک عبادى عني فاني قريب اجيب دعوة الداع اذا دعان فليستجيبوا لى و ليؤمنوا بى لعلهم یرشدون﴾ (بقره، آیه ۱۸۶) و نظامی به همین ترتیب یعنی توسل مستقیم به ذات حق می گوید:

ه نه من چاره خویش دانم نه کس	تو دانی چنان کن که دانی و بس
طلبکار تو هر کسی بر امید	یکی در سیاه و یکی در سپید
بدان تا زباغ تو یابد بری	تضرع کنان هر کسی بر دری
نبینم من آن زهره درخویشتن	که گویم ترا، این و آن ده به من
کنم حاجت از هر کسی جستجوی	چو یابم تو بخشنده باشی نه اوی
تو مستغنی از هر چه در راه تست	نیاز همه سوی درگاه تست ه

(اقبال نامه، ص ۵)

نفی میانجی هنگام مخاطبه و توسل به خداوند در هنگام درخواست و طلب در خمسه بسیار دیده می شود. در هفت پیکر آمده است:

تو دهی بی میانجی آن را گنج گنج	که نداند ستاره هفت از پنج
ه ای به تو زنده هر کجا جانست	وز تهور تو هر کرا نانست
بر در خویش سرفرازم کن	وز در خلق بی نیازم کن
نان من بی میانجی دگران	تو ده ای رزق بخش جانوران
ه در که نالم که دستگیر توئی	در پذیرم که در پذیر توئی
ه ای نظامی پناه پرور تو	به درکس مرانش از در تو

(هفت بیکر، صفحات ۴-۶)

نمونه های این نوع توسل مستقیم را در (خسرو و شیرین، صفحات ۸-۱۰)، (شرفنامه، صص ۷-۱۱)، (مخزن الاسرار، صفحات ۱۰-۱۱) و هم می توان یافت.

به عنوان مثال در شرفنامه بعد از ابیات طولانی و سخن با خدا آمده است:

همه روز تا شب پناهم به تست	ه و گر بامداد است راهم به تست
مکن شرمسارم در این داوری	چو خواهم ز تو روز و شب یاوری
کزین بانیازان شوم بی نیاز	چنان دارم ای داور کارساز

(شرفنامه، ص ۷)

در ادامه همین بحث می آورد:

دعایی کند من کنم مستجاب	تو گفתי که هر کس که در رنج و تاب
درین عاجزی چون نخوانم تو را	چو عاجز رهاننده دانم تو را

(شرفنامه، ص ۱۰)

۲-۱-۲) نوع دوم از توسل مستقیم، توسل به اسماء و صفات الهی است که نظامی در این شیوه نیز متأثر از قرآن کریم است؛ در قرآن کریم آمده است:

﴿و لله الاسماء الحسنی فادعوه بها﴾ (اعراف، ۱۸۰)

نظامی نیز به همین شیوه هنگام توسل به خداوند او را می خواند. در مقدمه لیلی و مجنون در قالب ندا خدا را به اسماء و صفات او می خواند:

ای نام تو بهترین سرآغاز	بی نام تو نامه کی کنم باز
ای یاد تو مونس روانم	جز نام تو نیست بر زبانم
ای کارگشای هر چه هستند	نام تو کلید هر چه بستند
ه ای واهب عقل و باعث جان	با حکم توهست و نیست یکسان
ای محرم عالم تحیر	عالم ز تو هم تهی و هم پر

(لیلی و مجنون، ص ۲)

تا این که در پایان بعد از خطاب به صفات خدا از خدا زیارت تربت رسول (ص) را می خواهد:

ه بی حاجتم آفریدی اول	آخر نگذاریم معطل
هزان پیش کاجل فرا رسد تنگ	و ایام عنان ستاند از چنگ
ره بازده از ره قبولم	بر روزه تربت رسولم

(لیلی و مجنون، صفحات ۷-۸)

۲-۲) یکی دیگر از شیوه های توسل که در شعر نظامی در کنار توسل مستقیم دیده می شود توسل به رسول اکرم (ص) است. در این شیوه نیز شاعر متأثر از قرآن کریم است؛ به عبارتی پس از آن که آدمی به خدا روی می آورد و معرفت نسبی کسب می کند ، به اولیاء خداوند، از آن جهت که آنها پرستندگان خدا و فانی فی الله هستند روی می آورد. در این مرحله است که آنها را وسیله استغفار و دعا قرار می دهد؛ به این دلیل که معصومین (ع) واسطه نزول نعمت و رحمت الهی هستند. قرآن کریم در سوره مائده آیه ۳۵ می فرماید:

﴿يا ايها الذين آمنوا اتقوا الله وابتغوا اليه الوسيله﴾ (مائده، ۳۵)

و در این خصوص از گناهکاران خواسته شده است که برای استغفار به خدا و رسول (ص) پناه ببرند: ﴿و لو انهم اذا ظلموا انفسهم جاؤوك فاستغفروا الله و استغفرلهم الرسول لوجدوا الله تواباً رحيماً﴾ (نساء، ۶۴)

البته این نوع توسل غیر مستقیم به رسول (ص) ، پیامبران و اولیاء الهی از نوع وجوب اطاعت بالذات نیست بلکه به فرمان خداست: ﴿و ما ارسلنا من رسول الا ليطاع باذن الله﴾ (نساء، ۶۴)

نظامی در خسمه در تمام منظومه ها بعد از توحید در وصف رسول اکرم (ص) بایستی جداگانه را می آورد و گاه بایستی جداگانه در وصف معراج می آید. در بیشتر موارد ، رسول اکرم (ص) را واسطه بین خود و خدا قرار می دهد و خواسته های خود را مطرح می کند. در این خصوص رویکردهای زیر در خور ذکر است:

۱-۲-۲) آن دسته از توسلاتی که نظامی با واسطه قرار دادن رسول اکرم (ص) خواسته های خود را نیز مطرح می کند. جهت نمونه می توان به معراج رسول اکرم (ص) در (مخزن الاسرار، صفحات ۱۹-۱۴)، (نعت دوم مخزن الاسرار، صفحات ۲۵-۲۲)، (نعت سوم مخزن الاسرار، صفحات ۲۷-۲۵)، (نعت رسول اکرم (ص)، صفحات ۱۰-۷ اقبال نامه)، (صفحه ۱۶ لیلی و مجنون) و ۴ اشاره کرد.

تحیت و صلوات بر رسول اکرم (ص) به عنوان مقدمه توسل و دعا نیز که سبک کار نظامی است، برگرفته از احادیث است: «اذا كانت لك الى الله سبحانه حاجه فابدأ بسم الله الصلوه على رسوله (ص) ثم سل حاجتك فان الله اكرم من ان يسأل حاجتين فيقضى أحدهما و يمنع الاخرى» (نهج البلاغه، حکمت ۳۶۱)

۲-۲-۲) آن دسته نتهایی که نظامی از رسول اکرم (ص) سخن می گوید ولی هیچ نوع طلب و توسلی در آن دیده نمی شود. جهت نمونه می توان به (نعت رسول اکرم (ص)، مخزن الاسرار، صفحات ۱۴-۱۲)، (مخزن الاسرار، صفحات ۲۲-۲۰)، (نعت چهارم مخزن الاسرار، صفحات ۳۰-۲۷)، (صفحات ۹-۶، هفت پیکر)، (صفحات ۱۲-۱۰، خسرو و شیرین) و ۴ اشاره کرد. قطعاً این امر یعنی تحیت و صلوات بر رسول اکرم (ص) بدون درخواست و طلب نیز برگرفته از آیات و احادیث است. قرآن کریم می فرماید: ﴿ان الله و ملائکته يصلون على النبي يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه و سلّموا تسليماً﴾ (احزاب، ۵۶)

۳-۲-۲) یکی از رویکردهای توسل به رسول اکرم (ص) که بحث مستقلی در خسمه نظامی دارد، مسأله شفاعت است. نظامی در بخشهای مربوط به نعت رسول (ص) و معراج، گاه رسول اکرم (ص) را شفیع می نامد و علاوه بر این که

متوسل می شود، استشفاع می کند مثلاً در لیلی و مجنون در بخش معراج به جای توسل در مفهوم عام، بحث شفاعت را در معنی خاص مطرح می کند و می گوید:

ای کار مرا تمامی از تو	نیروی دل نظامی از تو
زین دل به دعا قناعتی کن	وز بهر خدا شفاعتی کن
تا پرده ما فرو گذارند	وین پرده که هست برندارند

(لیلی و مجنون، ص ۱۶)

و یا در شاهد زیر از شرفنامه که توسل را در کنار شفاعت به کار می برد:

دلی را که شد بر درت راز دار	ز در یوزه هر دری باز دار
نکو کن چو کردار خود کار من	مکن کار با من به کردار من
نظامی بدین بارگاه رفیع	نیارد به جز مصطفی را شفیع

(شرفنامه، ص ۱۴)

همین نکته در ادعیه و زیارات مربوط به رسول اکرم (ص) آمده است که با سخن نظامی در خمسه مشابیهت دارد: «الهی فقد اتیت بیتک مستغفراً تائباً من ذنوبی فصل علی محمد و آله و اغفرها لی یا سیدنا اتوجه بک و باهل بیتک الی الله تعالی ربک و ربی لیغفرلی» (کامل الزیارات ص ۱۶).

۳) یکی از شاخصه های مهم در نقد لحن توسلات نظامی این است که شاعر جهت استجاب دعاها و توسلها به نوعی پیش زمینه اعتقاد دارد تا زمینه لازم برای پذیرش خواسته ها از جانب خداوند و فراهم گردد. این پیش زمینه، ... لحن توسلها را احساسی، توأم با اشک و زاری و تضرع می کند. نظامی در مخزن الاسرار به بهترین وجه با خداوند سخن می گوید. ضمن بیان نهایت عجز، ناتوانی، بی کسی، جرم و به زاری و التماس منتهی می شود و در پایان خواسته خود را بیان می کند:

یار شو ای مونس غمخوارگان	چاره کن ای چاره بی چارگان
قافله شد واپسی ما بین	ای کس ما بی کسی ما بین
برکه پناهییم تویی بی نظیر	درکه گریزیم تویی دستگیر
جز در تو قبله نخواهیم ساخت	گر ننوازی تو که خواهد نواخت
دست چنین پیش که دارد که ما	زاری از این بیش که دارد که ما
در گذراز جرم که خواهنده ایم	چاره ما کن که پناهنده ایم

(مخزن الاسرار، ص ۱۱)

نظامی این سبک و سیاق را جهت پذیرش توسلها از قرآن کریم اخذ می کند، قرآن کریم می فرماید:

﴿ و اذکر ربک فی نفسک تضرعاً و خیفه و دون الجهر من القول بالغدو و الاصل ولا تکن من الغفلین ﴾ (اعراف، ۲۰۵)
نیز در هنگام دعا حالت اضطراب و درماندگی، پیش زمینه پذیرش دعا است:

«امن یجیب المضطر اذا دعاه و یکشف السوء و هـ» (النمل، ۶۲)

نه من چاره خویش دانم نه کس	تو دانی چنان کن که دانی و بس
طلبکار تو هر کسی برامید	یکی در سیاه و یکی در سپید
بدان تا زباغ تو یابد بری	تضرع کنان هرکس برردی

(اقبال نامه ، ص ۵)

پایان سخن در باب لحن توسلات نظامی این است که نهایت تواضع نظامی به همراه تضرع او لحن را سخت سوزناک و مؤثر می سازد ؛ به گونه ای که در بسیاری موارد خواننده را تحت تأثیر قرار می دهد. از سویی خطاب نزدیک با لفظ «تو» در بیشتر موارد در مناجاتهای خمسه مشاهده می شود و همین امر لحن را بسیار ظریف و صمیمی ساخته است.

نتیجه:

شعرا قبل از شروع هر بحثی در آغاز دیوان خود به مبحث توحید، نبوت و بعضاً امامت پرداخته اند و یکی از رویکردهایشان بحث توسل بوده است .

توسل به دو صورت مستقیم به خداوند: ذاتی و صفاتی و توسل با واسطه و غیر مستقیم در دو این شعرا از جمله خمسه نظامی دیده می شود .

زاویه دید توسلات نظامی گاه به شیوه دانای کل و سوم شخص مفرد بیان می شود . ۴۴ درصد از جامعه آماری در خمسه نظامی به این نوع زاویه دید مربوط می شود .

نظامی در مناجات نامه از حالت خطاب و دوم شخص مفرد با خدا سخن می گوید . به گونه ای که این نوع نگرش و نظرگاه همچون زاویه دید سوم شخص کاربرد فراوانی در خمسه نظامی دارد . از حیث آماری ۴۴ درصد از نظرگاه شاعر به این نوع مربوط می شود که این امر شاخصه ادبیات غنایی منظوم است و در نثر داستانی امروز کمتر کاربرد دارد.
لحن توسلات نظامی به سبک ادعیه همراه با احساس، تأثر، تضرع و زاری است.

منابع و مآخذ :

قرآن کریم.

آ. ی . ونسنگ . (۱۹۳۶) . المعجم المفهرس لالفاظ الحدیث النبوی . لیدن: مکتبه بریل.

ابن اثیر ، علی بن محمد؛(۱۳۶۴ش) *النهایه فی غریب الحدیث* ، موسسه اسماعیلیان ، قم ،

ابن سینا ، ابوعلی حسین بن عبدالله بن حسن بن علی بن سینا؛(بی تا) *اشارات و تنبیهاات* ، انتشارات بیدار ، قم

ابن قولویه، جعفر بن محمد، (۱۳۵۶ش) *کامل الزیارات*، دارالمرتضویه ، نجف اشرف

- ابن منظور (۱۴۰۸هـ). *لسان العرب*. طبعه الاولى. بيروت. داراحیاء التراث العربی .
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغتنامه*. چاپ دوم. دوره جدید. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران .
- سعدی، شیخ مصلح الدین (۱۳۶۸). *گلستان*. ج اول. تصحیح غلامحسین یوسفی. تهران: خوارزمی .
- صیحی الصالح (۱۴۱۷). *نهج البلاغه*. مؤسسه دارالهجره.
- عبد الباقي، محمد فؤاد (۱۳۶۴). *المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم*. مصر: دارالکتب المعرفه.
- قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج بن مسلم؛ *صحیح مسلم*، (بی تا) دارالفکر لطباعة و النشر و التوزیع، بیروت
- طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن؛ (۱۴۱۱ق) *مصباح المتهدد و سلاح المتعبد*، مؤسسه فقه الشیعه، بیروت
- مارتین، گری (۱۳۸۲). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*. چاپ اول. ترجمه منصوره شریف زاده. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- میر صادقی، جمال (۱۳۶۷). *عناصر داستان*. تهران: انتشارات شفا.
- (۱۳۷۷). *واژه نامه هنر داستان نویسی*. چاپ اول. تهران: کتاب مهناز.
- یونسی، ابراهیم (۱۳۶۹). *هنر داستان نویسی*. ج پنجم. تهران: انتشارات نگاه.
- نظامی گنجوی (۱۳۶۳). *اقبال نامه*. چاپ دوم. به کوشش وحید دستگردی. تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.
- (۱۳۶۳). *خسرو و شیرین*. چاپ دوم. به کوشش وحید دستگردی. تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.
- (۱۳۶۳). *شرفنامه*. چاپ دوم. به کوشش وحید دستگردی. تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.
- (۱۳۶۳). *لیلی و مجنون*. چاپ دوم. به کوشش وحید دستگردی. تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.
- (۱۳۶۳). *مخزن الاسرار*. چاپ دوم. به کوشش وحید دستگردی. تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.
- (۱۳۶۳). *هفت پیکر*. چاپ دوم. به کوشش وحید دستگردی. تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.
- نور بخش، جواد (۱۳۷۹). *فرهنگ نوربخش*. ج اول. قم: انتشارات یلدا.